

تحلیل تکنیکال چیست ؟

تحلیل تکنیکی به معنی بررسی نوسانات قیمت سهام (ارز) در گذشته است که به کمک نمودار و به منظور پیش بینی حرکت آتی بازار انجام می گیرد. در این نوع تحلیل سعی می شود از روند قیمت یک سهم (ارز) در گذشته، آینده آن پیش بینی شود. تحلیل تکنیکی را می توان برای هر نوع کالا یا شاخص یا سهام و غیره بکار برد. اساس این نوع تحلیل ها ریاضیات می باشد که در چارت و اندیکاتور (شاخص) خلاصه می شود .

یک تحلیل گر تکنیکی معتقد است که همه اطلاعات یک سهام یا یک ارز در سابقه قیمت آن نهفته است و از روند حرکت قیمت، می توان آینده آنرا پیش بینی نمود . تحلیل تکنیکی سرعت عمل بالایی داشته و به ما این امکان را می دهد که در مدت کوتاهی نسبت به تحلیل پایه ای (فوندامنتال)، تعداد خیلی بیشتری سهام (ارز) را مورد مطالعه و بررسی قرار بدهیم .

تحلیل تکنیکی نیاز به دانش بالای علوم اقتصادی و سیاسی (بر عکس تحلیل پایه ای) ندارد. در حال حاضر تحلیل تکنیکی در بورس های معتبر دنیا رواج زیادی پیدا کرده و طرفداران خاص خود را دارد. مزیت این نوع تحلیل در سرعت عمل آن است و می توان در مدت کوتاهی چندین نوع ارز یا قیمت سهام چندین شرکت را بررسی کرد ولی تحلیل فوندامنتال همین تعداد ارز یا سهام، بسیار وقت گیر خواهد بود. تحلیل تکنیکی مانند هر تئوری دیگر منطق خاص خود را دارد .

سه اصلی که تحلیل تکنیکال بر پایه آن بنا نهاده شده است :

۱- همه چیز در نوسان قیمت خلاصه می شود:

مهمترین اصل تحلیل تکنیکی همین است. جان کلام اینست که هر عاملی که بر قیمت سهام تاثیر گذار باشد، چه اقتصادی و چه سیاسی و یا روانشناختی به نوعی بر قیمت سهام (ارز) اثر خواهد داشت و در نمودار منعکس خواهد شد. به عبارتی هر تغییر قیمتی همراه با یک محرک خارجی است و این امر لزوم بررسی دقیق نوسان قیمت و تحلیل آنرا نشان می دهد. پس با تحلیل نمودن نمودار قیمت و بررسی اندیکاتورها، بازار خودش را به تحلیل گر نشان می دهد و آینده آن قابل پیش بینی خواهد بود. این منطق در تضاد با تحلیل پایه ای است، زیرا در تحلیل پایه ای به چرایی عوامل توجه می شود و پس از تحلیل عوامل تاثیر گذار، روند حرکت بازار بدست می آید. به عنوان مثال، اگر تقاضا بیش از عرضه باشد فوندامنتالیست خواهد گفت که قیمت بالا می رود در حالیکه چارتریست با دیدن رشد قیمت خواهد گفت که تقاضا بیشتر از عرضه بوده است.

۲- قیمت در یک روند حرکت می کند:

پیش فرض فوق اساس همه متد های تحلیل تکنیکی است. وقتی نوسانات بازار (مارکت) با ترند مطابقت داشته باشد، این حرکت قابل تحلیل است و برعکس ، یک بازار آشفته را نمی توان تحلیل کرد. با مسلم دانستن اینکه حرکت قیمت، ناشی از ترند است دو مطلب



قابل ذکر است. اول اینکه ترند جاری با احتمال بیشتری ادامه خواهد یافت و روی خودش برنخواهد گشت، به استثنای بعضی بی‌نظمی‌ها در حرکت بازار. دوم اینکه ترند جاری ادامه خواهد یافت تا زمانی که ترند مخالف جایگزین آن شود.

۳- تاریخ تکرار می شود:

تحلیل تکنیکی و پویایی بازار رابطه نزدیکی با روانشناسی انسان دارد. بنابراین، الگوهای گرافیکی قیمت در صد سال اخیر شناسایی و تقسیم بندی شده اند تا حالات روانشناسانه بازار را نمایش بدهند. اول از همه، این الگوها وضعیت روانی حاکم بر بازار را نشان می دهند که آیا بازار صعودی و یا نزولی است. این الگوها در گذشته بوده و اکنون هم می تواند استفاده شود چون اساس آن بر روی روانشناسی انسان است که در طول سالها بدون تغییر مانده است. حال ما عبارت تاریخ تکرار می شود را به این صورت بیان می کنیم که گذشته چراغ راه آینده است یعنی بررسی نوسانات قیمت در گذشته آینده بازار را به ما نشان می دهد.

تحلیل گران تکنیکی فقط با دو چیز سروکار دارند:

۱- قیمت فعلی چیست؟

۲- سابقه تغییرات قیمت چیست؟

اساس تحلیل تکنیکال:

در ابتدای قرن بیستم، تئوری داو چیزی را بنیان گذاری کرد که بعدها به عنوان تحلیل تکنیکی نوین شناخته شد. تئوری داو (Dow) از ابتدا ترکیب کاملی نبود بلکه به مرور با کنار هم قرار دادن اجزایی از میان نوشته‌های چارلز داو در طی چندین سال تکمیل شد. از میان قضیه‌های نقل شده از داو سه تا از آنها برجسته می باشند:

- قیمت معرف همه اطلاعات می باشد.
- تغییرات قیمت کاملاً تصادفی نیست.
- اینکه چه اتفاقی افتاده { پیشینه قیمت } بسیار مهم تر است از چرایی آن { چرا اتفاق افتاده }



چرایی اعتقاد به تحلیل تکنیکال :

همان گونه که در بالا اشاره شد اولین و مهمترین اصلی که در تحلیل تکنیکال باید پذیرفت این است که همه اطلاعات تاریخی یک سهم اعم از شرایط داخلی سهم، میزان سودهی سالانه وضعیت مالی شرکت سهم مورد اشاره و همچنین شرایط اقتصادی مانند نرخ تورم، ارزش پولی و غیره در گذشته و حال در قیمت سهم نهفته است یعنی تمام عوامل درون شرکتی و برون شرکت باعث ایجاد قیمت فعلی شده است در نتیجه باید گفت تحلیل تکنیکال در بازار رقابت کامل اعتبار بالایی دارد زیرا اولاً شفافیت اطلاعات در بالاترین حد می باشد و قیمت سهم واقعی و نزدیک به ارزش ذاتی سهم می باشد. ثانیاً تعداد خریدار و فروشنده به حدی بالاست که یک شخص حقیقی یا حقوقی به تنهایی نمی تواند هر چه قدر هم قدرتمند باشد بروی قیمت سهم تاثیر بگذارد و قیمت سهم را به طور مصنوعی بالا و پائین برد. از لحاظ مبانی تکنیکال هر شخص حقیقی و حقوقی دارای یک بینش فردی و انتظارات شخصی نسبت به سهم است که با توجه به اطلاعاتی که از گذشته و حال قیمت سهم و وضعیت سهم دارد ایجاد شده است و قیمت نشانگر بینش و انتظارات جمعی بازار از یک سهم می باشد، در نتیجه این انتظارات است که قیمت فعلی بوجود آمده است و نمودار که ابزار تحلیل تکنیکال می باشد ترسیم رفتار جمعی بازار نسبت به یک سهم می باشد و تحلیل تکنیکال، تحلیل رفتار شناسی بازار نسبت به یک سهم می باشد و بیانگر تحلیل افت و خیزهای انتظارات بازار نسبت به یک سهم می باشد باید سهامی را تحلیل تکنیکال کرد که رفتار جمعی در آن حاکم باشد یعنی تعداد معاملات بروی آن و تعداد خریداران و فروشندگان و شناوری و نقدینگی بقدری بالا باشد که یک رفتار جمعی به جای رفتار فردی بر روی آن شکل گیرد. و قیمت منعکس کننده رفتار جمع کثیری از اشخاص و به طبع آن حاوی اطلاعات زیاد در درون خود باشد تا اعتبار تحلیل تکنیکال خود را افزایش دهد. در پایان پیشنهاد نویسنده این است که ابتدا با تحلیل بنیادین بی ریسک ترین و با ارزش ترین سهام صنایع را با دید بلند مدت انتخاب کنید و از بین این سهام شناورترین و نقد شونده ترین و پر بیننده ترین ها را انتخاب کنید و با استفاده از تحلیل تکنیکال نقاط ورود و خروج موقت را شناسایی کنید.